



تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله

نوروز هاشم زهی^۱

رسول یاحی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

سمیه هاشم زهی^۳

چکیده

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یک مقطع برجسته در تاریخ معاصر است. در دفاع ایران در این هشت سال، سازمان‌های مختلف غیرنظامی نیز نقش‌آفرینی کرده‌اند. این مقاله به تحلیل عملکرد وزارت اقتصاد و دارایی در کمک و پشتیبانی از جنگ در مقطع تاریخی ۱۳۵۹ هجری شمسی تا سال ۱۳۶۷ پرداخته است. رویکرد اصلی پژوهش کیفی می‌باشد و داده‌ها با تکنیک اسنادی و فیش‌برداری از منابع دست اول و دوم جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد، وزارت اقتصاد و دارایی اقداماتی شامل، اعزام کارکنان به جبهه‌های جنگ، جمع‌آوری و اهداء کمک‌های نقدی، اعزام ماشین‌آلات و وسایل نقلیه اهدایی، اسکان موقت به جنگزدگان و پرداخت مستمری به مهاجرین جنگ تحمیلی انجام داده که از مهمترین گونه‌های عملکرد عمومی وزارت می‌باشد. کنترل قیمت‌ها در دوران جنگ، تشکیل ستاد بسیج اقتصادی، ایجاد اعتماد اقتصادی، نگهداری از بودجه جنگ، ایجاد نقدینگی، نظارت بر مالیات مستقیم و غیرمستقیم، نظارت بر سیاست‌های ارزی، افزایش رشد بهره‌وری تولید، کاهش رانت‌خواری، همکاری با بیمه ایران نیز از مهم‌ترین گونه‌های عملکرد تخصصی این وزارتخانه بوده است. همچنین عملکرد ابزارهای پولی بانک مرکزی و آثار اقتصادی در دوران جنگ که شامل تحریم‌های اقتصادی و خسارات وارده می‌شود، در این مقاله مورد بحث قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی

جنگ تحمیلی، وزارت اقتصاد و دارایی، ستاد بسیج اقتصادی، اقتصاد جنگی، تحریم اقتصادی

۱- گروه علوم اجتماعی و ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) no_hashemzehi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد مطالعات دفاعی و مجری طرح نقش دولت در دفاع مقدس، تهران، ایران. m_karimi989@yahoo.com

۳- گروه علوم پایه، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Hashemzehi.s@gmail.com

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

مقدمه و بیان مسئله

برخی مکاتب علوم اجتماعی در دوران جدید، هم منشأ جنگ و هم امکان تداوم آن را اقتصادی می‌دانند. جنگ‌ها غالباً زاینده زیاده‌طلبی و طمع ورزی طرفین بوده و زمانی به وجود می‌آید که یک طرف از طریق گفتگو به هر دلیل نتواند به مطامع و منافع خود دست یابد و راه حل نظامی را برگزیند. در این صورت و به ناچار تمام نظام اجتماعی در یک کشور درگیر جنگ می‌شود. به محض شروع جنگ، مهمترین مسئله، توانمندی اقتصاد جامعه درگیر در پاسخ‌گویی به تأمین هزینه‌ها و نیازمندی‌های نظامی صحنه نبرد است که تمام بخش‌های اقتصادی دولت و جامعه درگیر آن می‌شود. از سوی دیگر با آغاز جنگ، اقتصاد دولت و توانمندی مالی مردم رو به ضعف می‌رود و در این شرایط دولت بایستی بتواند، نیازهای معیشتی مردم را به گونه‌ای تأمین نماید تا حمایت آنها را از جنگ با دشمن در کنار خود داشته باشد. بنابراین داشتن منابع مطمئن و با دوام جهت تداوم توانمندی‌های دفاعی از ضروریات است. هر چه جنگ طولانی‌تر و فرسایشی‌تر شود، آنچه می‌تواند توازن نسبی بین دو طرف را برهم زند، ظرفیت‌های اقتصادی هر کشور است، بنابراین عوامل اقتصادی در سرنوشت و تحولات جنگ‌های طولانی مدت، نقش مهم و تعیین کننده‌ای را ایفا می‌کنند. حتی هیچ گروه، دولت و کشوری نمی‌تواند با اقتصاد ضعیف و نداشتن پشتوانه مالی در جنگ اطلاعاتی، جاسوسی و حذف مخالفان، دست بالا را داشته باشد. به نظر هربرت اسپنسر در نخستین مراحل توسعه، احتمال ماندگاری از آن جامعه‌هایی بوده که سازمان جنگی کارآمدتری در اختیار داشته‌اند و طبیعی است سازمان جنگی کارآمدتر با صنعت و اقتصاد و ابزار جنگی مؤثرتر امکان‌پذیر است (ادیبی سده، ۱۳۸۹: ۵۰).

جنگ تحمیلی نیز به بهانه اختلافات مرزی میان ایران و عراق بر سر مالکیت آب‌های اروندرود، با اشغال مناطقی از سرزمین ایران و تخریب برخی مراکز اقتصادی و مسکونی آغاز شد. در این جنگ هر دو کشور فلج کردن اقتصاد طرف مقابل را که بر فروش نفت خام متکی بود؛ هدف قرار داده بودند. از سوی دیگر می‌توان گفت زمانی جنگ به پایان رسید که ظرفیت اقتصادی ایران، توانایی پذیرش طولانی‌تر شدن دوران جنگ را نداشت (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۷۰).

با مروری بر حمایت‌های بین‌المللی از طرفین درگیر در جنگ، می‌توان گفت که تقریباً همه دولت‌ها به خصوص ابرقدرت آمریکا و شوروی و کشورهای محوری قاره اروپا و تقریباً همه دولت‌های عربی، حامی رژیم بعث عراق بودند، در حالی که فقط سه کشور ضعیف کره شمالی، سوریه و لیبی آن هم به

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

صورت محدود به ایران کمک می‌کردند که قابل مقایسه با حامیان بی‌شمار عراق نبود. برای عراق هم بدهی‌های فراوان مالی به کشورهای عربی پشتیبانی کننده از وی در دوران جنگ، موجب شد تا یک جنگ جدید با کویت آغاز شود و در نهایت این وضعیت منجر به اشغال کشور عراق و ساقط شدن حزب بعث گردید. جنگ‌ها همواره موجب نزول قدرت اقتصادی در سطح ملی می‌شوند. در جنگ‌ها همواره سطح هزینه‌ها و بودجه‌های دفاعی نسبت به تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و تولید ناخالص ملی نیز به طور مرتب کاهش می‌یابد. افزایش سطح هزینه‌های دفاعی و کاهش تولید ناخالص ملی، سرانجام منجر به شرایطی می‌گردد که دیگر امکان پشتیبانی اقتصادی از جنگ در حد ضرورت ممکن نیست. از اینجا زوال قدرت اقتصادی به منظور حفظ توانایی‌ها در پشتیبانی از جنگ آغاز می‌شود. در جنگ‌ها معمولاً طرفی که دارای قدرت اقتصادی بیشتر و بادوام‌تری برای اداره جنگ باشد، از تفوق بالاتری برخوردار است. دولت‌ها مجبورند تا در دوران جنگ بر سقف بودجه‌های دفاعی خود افزوده و سهم اعتبارات نظامی را از تولید ناخالص ملی بالا ببرند. از سوی دیگر به دلیل آسیب‌پذیری اقتصاد در دوران جنگ و همچنین احتمال تخریب و انهدام بسیاری از مراکز اقتصادی از سوی طرف مقابل، چنانچه یک ذخیره مطمئن اقتصادی برای هزینه‌های جنگ وجود نداشته باشد؛ می‌توان گفت که اقتصاد کشور توانایی تحمل یک جنگ طولانی را نخواهد داشت و هر چه سریعتر باید به جنگ خاتمه داد. بنابراین ارتباطی یک سویه بین وضعیت اقتصادی ملی و شرایط روحی مردم برای ادامه جنگ و میل به تداوم آن وجود دارد (علایی، ۱۳۹۱: ۹۰).

ایران علیرغم درآمدهای نفتی بالاتر در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۸۵ و هزینه‌های جنگ‌افزایی کمتر- به دلیل وابستگی تقریباً انحصاری به منابع خودش- دشواری بیشتری در تأمین مالی جنگ نسبت به عراق داشت. ایران به دلیل عدم تمایل به استقراض خارجی، تمایل به استقلال و کمبود هم‌پیمانانی که از آن‌ها کمک بگیرد، تقریباً باید به ذخایر ارزی خارجی و کاهش واردات غیرنظامی اتکا می‌کرد. سرمایه‌های خارجی از حدود ۱۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به حدود ۵,۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ کاهش یافت. واردات غیرنظامی در سال ۱۹۸۶- که حدود ۸ میلیارد دلار بود- علیرغم افزایش بیست درصدی جمعیت در این بازه‌ی زمانی، تقریباً ۳۵ درصد کمتر از سال ۱۹۸۰ بود.

برخلاف ایران، بغداد استقراض خارجی زیادی داشت و کمک مالی چشمگیری از هم‌پیمانان عرب خود تضمین کرد که باعث شد نسبت به ایران هزینه‌های واردات نظامی و غیرنظامی را با آسانی بیشتری بپردازد. استقراض شدید عراق منجر به این شد که بدهی نظامی غیرعربی و بدهی غیرنظامی این کشور

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

از ۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ افزایش یابد. موفقیت عراق در تجدید مهلت بدهی‌های خود باعث شد این کشور بتواند بازپرداخت‌های عمده خود را به تعویق انداخته درحالی‌که به تأمین مالی جنگ خود ادامه می‌داد.

علاوه بر این، عراق ۳۵ میلیارد دلار استقراض بدون بهره از سال ۱۹۸۰ از هم‌پیمانان عرب خود در خلیج فارس که عمدتاً عربستان سعودی و کویت بودند دریافت کرد. این کمک به صورت فروش نفت خام از مناطق بی‌طرف از جانب عراق و پرداخت نقدی بود. سطح کمک‌ها با سقوط قیمت نفت در سال‌های آخر جنگ کاهش یافت، اما عربستان سعودی و کویت بدون ترس از این‌که پیروزی ایران امنیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد، به فراهم‌آوری کمک بزرگ خود ادامه دادند.

عراق نیز ذخایر ارزی و واردات غیرنظامی خود را کاهش داد. سرمایه‌های خارجی عراق، از جمله ذخایر ارز خارجی و طلا، از ۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ کاهش یافت. پس از پیگیری توسعه‌ی اقتصادی و افزایش واردات غیرنظامی در طول سال‌های اولیه‌ی جنگ، عراق در سال ۱۹۸۲ سیاست‌های ریاضت اقتصادی را به کار گرفت. در سال ۱۹۸۷، واردات غیرنظامی عراق ۷,۱ میلیارد دلار بود که در سال ۱۹۸۰ حدوداً نصف این میزان بود. بغداد واردات غیرنظامی خود را به کالاهای اساسی مانند غذا و دارو، و همچنین اجناس مورد نیاز برای حفظ صنایع حیاتی در حوزه‌ی دفاعی و نفتی محدود کرد. عراق همچنین یارانه‌های دولتی را به جهت حفظ درآمد‌هایش کاهش داد (CIA, 2012).

در هر کشور نهادها و سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی اقتصاد در جامعه در حال جنگ و جامعه پس از جنگ برای مدیریت بحران‌های اقتصادی دست به کنشگری می‌زنند. چگونگی این کنشگری و پژوهش در باره آن و تحلیل و ثبت آن برای بهره‌گیری آیندگان سودمند است. تا کنون کوشش‌های پژوهشی اندکی در این باره انجام شده است. بیدگلی و قیصریان فرد در پژوهشی در سال ۱۳۹۸ به این نتیجه رسیده‌اند که روند تحولات منطقه‌ای در پایان جنگ، نشان‌دهنده این است که ایران توانست با حمایت و پشتیبانی مردم، ضمن حفظ تمامیت ارضی، جنگ را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی-دینی تثبیت کند، ولی دولت عراق در دستیابی به هیچ کدام از اهدافش موفق نبود و فقط وابستگی‌اش را در زمینه اقتصادی و خرید تسلیحات نظامی به قدرت‌های بزرگ بیشتر کرد. فیروزنیا، جاسمی و قرنی آرنی در سال ۱۳۹۵ به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سبب بروز تغییرات شدیدی در ابعاد اقتصادی، به ویژه اشتغال، رکود فعالیت‌های اقتصادی، تخریب

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

زیرساخت‌ها و همچنین عدم امکان استفاده از اراضی کشاورزی و کاهش جمعیت در روستاها شده است. حسنی صدر آبادی در سال ۱۳۸۴ در پژوهش اثرات کنترل عمومی قیمت‌ها در اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی به این نتیجه رسیده است که اجرای سیاست کنترل قیمت‌ها در طول دوران جنگ تحمیلی، اثرات معنادار و قابل توجهی بر متغیرهای اقتصاد ایران داشته و به طور کلی آزمون مدل تعادل عمومی تورم سرکوب شده در اقتصاد ایران، معنی دار بوده و نتایج حاصله با تئوری سازگاری دارند. جمشیدی در سال ۱۳۸۰ در پژوهشی تحت عنوان بیکاری و تبعات آن در میان مهاجرین جنگ تحمیلی پرداخته است. بر اساس این بررسی آثار و پیامدهای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به عنوان یکی از عوامل اساسی مؤثر در رشد و توسعه سکونتگاه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. میلارد در سال ۱۳۷۵ ضمن بررسی موضوع جنگ نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در زمان‌های قبل و بعد از جنگ تحمیلی در چه وضعیتی بوده است و در ادامه بحث به بررسی آثار جنگ بر جمعیت و نیروی کار و همچنین تأثیرات جنگ در بخش کشاورزی و مواد غذایی، و جنگ اقتصادی و اهداف اقتصادی که در زمان بروز جنگ‌ها به وجود می‌آید و همچنین بازسازی اقتصاد بین‌الملل پرداخته است. مؤمنی در سال ۱۳۷۵ در مقاله نگرشی کلی به مدیریت اقتصادی کشور در دوران جنگ تحمیلی، به این نتیجه رسیده است که یکی از مهمترین نتایج حاصل از مقایسه عملکرد مدیریت اقتصادی کشور در دوران جنگ تحمیلی اثبات این نکته می‌باشد که پای بندی به اصول و آرمان‌گرایی عالمانه نظام تصمیم‌گیری نه تنها تعارضی با عملکرد با نتایج درخشان ندارد، بلکه لااقل در طی یک صد ساله اخیر، تاریخ اقتصادی کشورمان گواهی می‌دهد که هر قدر اصول‌گرایی و مردم‌گرایی در سمت‌گرایی‌های اقتصادی کشور بیشتر بوده، نتایج درخشان‌تری ظاهر گشته است. علی‌رغم همه پژوهش‌های گذشته هنوز تحلیل و تصویر روشن و قابل اتکایی از مدیریت بحران جنگ از منظر اقتصادی به وسیله دستگاه‌های مسئول و از جمله وزارت اقتصاد و دارایی و نقد و بررسی نقش دولت در پشتیبانی اقتصادی از جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران ثبت نشده است و این تحقیق به این مسئله پاسخ می‌دهد که دولت ایران بحران جنگ را از روزنه اقتصاد چگونه مدیریت کرده و عملکرد و ایفای نقش آن چیست؟

کنکاش نظری و مفهومی پژوهش

جنگ یکی از ابزارهای تحقق منافع دولت‌ها به شمار می‌رود که برای کسب منافع مورد نظر یا پایان دادن به مناقشه مورد استفاده قرار می‌گیرد. دانشمندان علوم سیاسی و سایر نظریه پردازان نو واقع‌گرا تأکید دارند که جنگ، انتخابی آگاهانه و حساب شده است و نه رویدادی انفجاری و خارج از اراده‌ی

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

انسان‌ها و دولت‌ها. از این رو جنگ، پدیده‌ای اجتماعی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد. شکل‌گیری این پدیده، متأثر از ویژگی‌های انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، تمایل‌ها و مانند آن می‌باشد. مبانی دینی، جنگ را حرکت عظیم زندگی بشر تلقی نموده و شکل‌گیری آن را متأثر از اعتقادات و گرایش‌های انسان می‌داند که گرایش‌های بالا منجر به شکل‌گیری دو جبهه حق و باطل در طول تاریخ گردیده است.

هر چند شاید نتوان نظریه‌ای را یافت که مستقیماً آثار اقتصادی دراز مدت جنگ و تأثیر آن را بر روند رشد و توسعه اقتصادی تبیین نماید، اما در لابلای برخی از نظریه‌ها شاید بتوان مواردی یافت که به این مسأله توجه کرده باشند. در چارچوب نظریه امپریالیسم، ساختار زیربنایی اقتصاد سرمایه‌داری که زمینه‌ی پیدایش پدیده امپریالیسم است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در آثار صاحب‌نظرانی که به استفاده از این نظریه به تحلیل اقتصاد جنگ پرداخته‌اند، تغییرات ساختاری در نظام اقتصادی سرمایه‌داری داخلی و سرمایه‌داری توسعه‌طلب و رقابت بین کشورها و پیامدهای آن مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس تنازع منافع و عدم حل آن از طریق مذاکره و زیاده‌طلبی برخی کشورها سبب بروز جنگ می‌شود (فیروزنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۵).

روش‌های تحقیق

رویکرد اصلی پژوهش کیفی می‌باشد و روش تحقیق در مطالعه حاضر اسنادی است. استفاده هدفمند و نظام‌یافته از روش اسنادی مستلزم آگاهی از زمینه معرفت‌شناسی و جنبه‌های تکنیکی آن است. منابع و اسناد مطالعاتی به مثابه ابزاری برای پی بردن به معانی، مقاصد و انگیزه‌های کنش‌های عاملان اجتماعی و اطلاع از پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شود. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، سازمان‌ها، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. چنین روشی می‌تواند تکنیک‌های لازم برای بررسی پیش‌بینیه پژوهش‌ها را فراهم آورد. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات در باره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آنها را داریم. روش اسنادی مستلزم جست‌وجویی توصیفی و تفسیری است. در روش اسنادی، پژوهشگر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی و ادراک انگیزه‌های پنهان یک متن نیست. به همین دلیل، نمی‌توان توسعه تکنیکی روش اسنادی را چندان به سنت هرمنوتیک متصل کرد. در روش اسنادی، علاقه پژوهشگر این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

یک متن خارج شده و آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد (صادقی فسایی، عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۵). داده‌ها از طریق تکنیک اسنادی و فیش‌برداری از منابع دست اول و دوم جمع‌آوری شده است. اسناد این پژوهش مشتمل بر اسناد وزارت اقتصاد و دارایی، کارنامه دولت، مقالات، کتاب‌ها، مجلات و فیش‌برداری از روزنامه‌ها و ترجمه مقالات خارجی سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای خارجی در دوران جنگ تحمیلی بوده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول زیر برخی ویژگی‌های اقتصاد دو کشور درگیر جنگ بر اساس اسناد طبقه‌بندی شده سازمان‌های اطلاعاتی قدرت‌های بزرگ آمده است، اما ایران علاوه بر این مشکلات با تحریم‌ها و رویارویی با قدرت‌های جهان نیز روبرو بوده است.

جدول ۱: مقایسه اقتصاد ایران و عراق در سال‌های آخر جنگ^۱

| | | |
|-----------------------------------|--|--|
| عراق | ایران | جمعیت شناختی |
| ۱۷,۶ میلیون | ۵۲ میلیون | جمعیت ^۲ |
| ۹ میلیون | ۲۶,۵ میلیون | مرد |
| ۸,۶ میلیون | ۲۵,۵ میلیون | زن |
| ۳,۵ درصد | ۳,۲ درصد | نرخ رشد |
| ۲۰ سال | ۲۲ سال | زمان دو برابر شدن جمعیت |
| ۴۵ درصد | ۴۵,۵ درصد | جمعیت کم‌تر از ۱۵ سال |
| ۷۰ درصد | ۵۱ درصد | جمعیت مناطق شهری |
| ۶۴ سال | ۵۷ سال | امید به زندگی |
| ۵۵ درصد | ۴۸ درصد | سطح سواد |
| | | اقتصاد |
| نفت، گاز طبیعی، فسفات، سولفور | نفت، گاز طبیعی، مس، سنگ آهن، زغال سنگ | منابع طبیعی |
| خرما، گندم، برنج، دام زنده | گندم، جو، برنج، پسته، خاویار، کتان | کشاورزی |
| تولید و پالایش نفت خام، صنایع سبک | تولید و پالایش نفت خام، نساجی، فرآوری غذا، ذوب آهن | صنایع عمده |
| ۲۰۰۰ دلار | ۱۸۰۰ دلار | سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی برآورد شده (به ازای هر نفر) |
| حدود ۴۰ درصد | ۳۰ تا ۴۰ درصد | نرخ تورم سالیانه |

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

| | | |
|----------------------------|--|--|
| نرخ بیکاری | حدود ۳۰ درصد | کمتر از ۵ درصد |
| تجارت و سرمایه‌گذاری | | |
| شرکای تجاری غیرنظامی اولیه | | |
| صادرات | آلمان غربی، ژاپن، ترکیه، ایتالیا، بریتانیا | ترکیه، یوگوسلاوی، برزیل، ایتالیا، فرانسه |
| واردات | آلمان غربی، ژاپن، ترکیه، ایتالیا، بریتانیا | ترکیه، ایالات متحده، آلمان غربی، بریتانیا، ژاپن، فرانسه |
| میزان صادرات | | |
| نفتی | ۱۱ میلیارد دلار | ۱۱ میلیارد دلار |
| غیرنفتی | ۱ میلیارد دلار (عمدتاً پسته، فرش، نساجی) | ۰,۶ میلیارد دلار (عمدتاً محصولات پتروشیمی، کالاهای کارخانه‌ای، سولفور) |
| بدهی خارجی | ۵,۵ میلیارد دلار | ۴۰ میلیارد دلار |
| سرمایه خارجی | ۵,۵ میلیارد دلار | ۳ میلیارد دلار |
| کسری حساب برآورد شده | حدود ۲ میلیارد دلار | حدود ۳ میلیارد دلار |

الف) روبرویی دولت با چالش‌های اقتصاد در دوران جنگ

اعمال تحریم‌ها از سوی قدرت‌های جهانی علیه ایران از یک طرف و خسارات و هزینه‌های اقتصادی جنگ، کاهش تولید و صادرات نفت، تورم و رکود، چالش‌های مهم اقتصاد ایران در جنگ تحمیلی هستند.

(۱) تحریم اقتصادی در دوران جنگ

تحریم‌های اقتصادی جزئی از مهارت‌های دیپلماتیک در طول قرن‌ها بوده است که امروزه به عنوان یک استراتژی برای آغاز جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌ها و با اهدافی متفاوت فرض می‌شود. این تحریم‌ها در مواقعی به صورت اقدامات قهری به جز جنگ، ابزاری چند منظوره در دیپلماسی بازدارنده و یک استراتژی محرک برای تغییرات سیاسی و اجتماعی کشور هدف یا حتی مقدمه‌ای برای جنگ می‌باشد (نعمتی، ۱۳۹۳: ۴۰). عمده تحریم‌ها علیه ایران در دهه ۶۰ اقتصادی بود و سعی در فلج‌سازی راهبردی اقتصاد ایران داشت (غضنفری، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۹). آمریکا در سال ۱۳۶۲ با هدف کاستن از توان نظامی ایران عملیاتی را آغاز کرد که به عملیات انسداد معروف شد. این عملیات، برنامه آمریکا برای ممانعت از رسیدن تجهیزات نظامی به ایران بود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

با آغاز جنگ، آمریکا نه تنها حاضر نشد هیچ‌گونه تسلیحاتی به ایران بفروشد حتی سلاح‌های خریداری شده در زمان پهلوی را هم در انبارها بلوکه کرده و از تحویل آن به ایران امتناع ورزید. علاوه بر این در اوج حمله نظامی عراق به ایران، از سال ۱۳۶۲ به بعد آمریکا تحریمی یک جانبه موسوم به «قطع جریان

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

هرگونه کمک به عملیات» را اعمال کرد که هدف آن جلوگیری از دسترسی ایران به تسلیحات یا تجهیزات دارای استفاده دوگانه در هر کجای جهان بود. این تحریم در اصل با هدف تضعیف ایران و به منظور کمک به رژیم بعث اعمال شد. در همان سال، وزارت خارجه آمریکا تلاش‌های خود را برای ممانعت کشورهای دیگر از عرضه تسلیحاتی که ایران در جنگ خود با عراق شدیداً به آنها احتیاج داشت، افزایش داد (غضنفری، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۹). در سال ۱۹۸۶ قانونی در راستای محدودیت ورود برخی از قطعات یدکی به ایران صادر شد که در کنار سایر تحریم‌های نظامی و اقتصادی قرار داشت. بهانه آمریکا این بود که برخی از قطعات یدکی، الکترونیکی و صنعتی می‌تواند در صنایع نظامی و دفاعی مورد بهره‌برداری قرار گیرند (نعمتی، ۱۳۹۳: ۴۷). در فروردین ۱۳۶۳ و تیر ماه ۱۳۶۶ تحریم‌هایی برای جلوگیری از ورود کالاهای شیمیایی و... که کاربرد صنعتی، تجاری و اقتصادی برای ایران داشتند، اعمال شد. (غضنفری، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۹).

ایران برای خنثی کردن تحریم‌ها تعامل با کشورهای همسایه و دوستان منطقه‌ای خود را تقویت کرد. در تیرماه ۱۳۶۳ دولت‌های لیبی و سوریه از وزیر وقت سپاه دعوت کردند تا به این کشورها سفر کنند. رفیق دوست می‌گوید؛ که از طریق ارتباط با کشورهایی نظیر سوریه، کره شمالی، بلغارستان و لیبی توانستیم تحریم‌ها را دور بزیم و یکی از راهکارها نیز امضای قراردادهای نیابتی تسلیحاتی سوریه با کشورهای دیگر و تحویل آن به ایران بوده است (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷). بنا به گفته رفیق دوست در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ دیگر نیازی به خرید مهمات جنگی نبود چرا که ایران با اجرای طرح ساخت ۱۰ میلیون گلوله در سال ۱۳۶۵ به خودکفایی رسیده بود. طراحی و ساخت اولین پهپادها از جمله؛ پهپاد مهاجر و پهپاد فُطرس و طراحی و ساخت انواع شناور و قایق‌های تندروی ترابری و رزمی، قایق‌های مرداب‌رو (با موتور فولکس)، ساخت انواع دکل‌های دیده‌بانی، ساخت بالن‌های شناسایی، طراحی و ساخت انواع فرش‌های عبور از رمل و باتلاق، ساخت و طراحی سازه‌های حرارتی و الکترونیکی ثابت و شناور برای انحراف موشک‌های دشمن نیز، در جریان جنگ کلید خورد. طی این سال‌ها علاوه بر صنایع نوپای دفاعی و کارخانجات دولتی، کارگاه‌های متعلق به بخش خصوصی نیز با مشارکت در تولید برخی تجهیزات مانند؛ پوسته انواع گلوله خمپاره و توپ، در دفاع سهم بسزایی را برعهده داشتند. در سال‌های پایانی جنگ، تولیدات دفاعی با ساخت اولین موشک‌های زمین به زمین بُرد کوتاه که به تدریج تکامل یافت، به اوج خود رسید (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷). رفیق دوست درباره نحوه تهیه و تولید آرپی جی ۷ گفته است که؛ اواسط جنگ اقدام به ساخت آن کردیم. نخستین بار، قبل از آغاز جنگ، ۵۰۰ عدد

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

از آن را به همراه ۲ هزار قبضه کلاشینکف و ۲۰۰ هزار فشنگ از یاسر عرفات خریداری کردیم. اگر چه در همه سلاح‌هایی که از بلوک شرق خریداری کردیم، آرپی‌جی ۷ به عنوان یک سلاح معمولی وجود داشت. همچنین از مجاهدین افغان موشک استینگر تهیه کردیم (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹). رفیق دوست می‌گوید؛ ما می‌خواستیم یک نیروی بزرگ رزمی از یکسوی اروندرود عبور کند و به سمت دیگر برود. ما توانستیم با روش‌های مختلف بدون آنکه دنیا از این عملیات خبردار شود لباس غواصی خریداری کنیم. رفیق‌دوست درباره تجهیز رزمندگان قبل از شروع عملیات‌ها، گفته است که «ما با به کارگیری تمام ظرفیت‌های داخلی یعنی ۱۰۳ کارخانه‌ای که می‌توانستند ریخته‌گری کنند و بیش از سه هزار تراشکار، در ۴ ماه، بیش از ۱۲ میلیون گلوله توپ و خمپاره ساختیم و از آن زمان به بعد با مهمات خودمان می‌جنگیدیم» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹).

در نیمه اول دهه ۶۰، آمریکا و فرانسه خرید نفت خام ایران را تحریم کردند و آلمان نیز واردات نفت ایران را کاهش داد. آمریکا به ژاپن نیز فشار آورد تا او نیز چنین کند و در نتیجه ژاپن نخست صنایع خود را از خرید نفت خام ایران در بازار آزاد منع کرد و سپس مقرراتی وضع کرد تا واردات نفت از ایران را تا ۳۰ درصد کاهش دهد. آمریکا همچنین عربستان و کویت را تشویق کرد تا بیشتر از سهمیه تعیین شده اوپک نفت تولید کنند، به طوری که قیمت‌ها از بشکه‌ای دوازده تا پانزده دلار بالاتر نرود تا از این طریق ایران با توجه به تخفیف‌هایی که می‌دهد، مجبور شود نفت خود را با قیمتی پایین‌تر بفروشد (غضنفری، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۹). محسن رهامی می‌گوید؛ در دوران جنگ، کشتی‌های نفتی ما را می‌زدند، ایران کشتی‌های بزرگ ۵۰۰ هزار تنی قدیمی در خارک اجاره کرده بود که آنها پر از نفت می‌شد و بعد به اقیانوس هند برده شده و به کشتی‌های خریدار که از ژاپن و بقیه کشورها می‌آمدند؛ منتقل می‌کردند. این باعث شده بود که هزینه فروش نفت ایران بالا برود و مشتری کمتری سراغ ایران بیاید. در چنین شرایطی در برخی ایام، قیمت نفت ایران به بشکه‌ای ۵ دلار می‌رسید. در چنین شرایطی بودجه را این گونه می‌نوشتیم که بر فرض قیمت نفت بشکه‌ای ۲۰ دلار، یک مدل هزینه‌ها پیش‌بینی شود و اگر کمتر از آن مثلاً ۵ تا ۱۰ دلار فروش رفت، هزینه‌ها و مخارج به گونه‌ای دیگر باشد. مدل دوم بر اساس فروش کمتر و قیمت پایین‌تر بود که مشخص می‌کرد، چه مسائلی باید اجرا و چه هزینه‌هایی باید حذف شود (سایت تاریخ ایران، ۱۳۸۹).

(۲) خسارات اقتصادی جنگ

سر جمع خسارات مستقیم وارد شده به ایران با ۴۴۰ میلیارد دلار برابر می‌شود (دژپسند و رثوفی، ۱۳۹۰: ۱۸۶-۱۸۵). اوج درگیری‌ها و خسارت‌های وارد شده سال ۱۳۶۵ بوده که ۲۷/۲۵ درصد از کل خسارات را به خود اختصاص داد و بعد از آن در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ نسبت به سال‌های دیگر خسارات بیشتری وارد شده است (پوراحمد، ۱۳۷۷: ۸۶). میزان کل خسارت‌های غیر مستقیم وارد شده حدود ۳۵ میلیون ریال بوده است. طی دوران جنگ بخش‌های کشاورزی و نفت، به ترتیب بیشترین سهم را در خسارت نسبت به سایر بخش‌ها متحمل شده‌اند (پوراحمد، ۱۳۷۷: ۸۷). سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی که در سال آغاز جنگ به زحمت به حدود ۷,۵ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسید، در سال پایانی جنگ از مرز ۱۲,۵ درصد فراتر رفته بود (پسران، ۱۴۰۰: ۱۷). درصد کل شهرهای کشور در جریان جنگ تحمیلی آسیب دیده‌اند (ستاد بازسازی و نو سازی مناطق جنگ زده، ۱۳۷۱: ۱۵). جنگ عراق علیه ایران آثار فراوان و مخربی بر سکونتگاه‌های ایران بر جای گذاشت، به طوری که بر اثر آن ۷۸ شهر ایران با ۳۲۸۳۴۰ واحد مسکونی و تجاری آسیب دیدند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در گزارش هیأت اعزامی دبیرکل سازمان ملل به ایران در سال ۱۳۷۰، خسارات مستقیم به ایران ۹۷ میلیارد دلار برآورد شده است. این رقم یک‌دهم خسارت هزار میلیارد دلاری است که کار شناسان و مسوولان وقت کشورمان تخمین زده بودند. در گزارش سازمان ملل آمده است: «در ۲۴ استان ایران، پنج استان صحنه نبرد بود و ۱۱ استان دیگر هدف حمله‌های هوایی و موشکی مکرر قرار گرفت. این ۱۶ استان، دو سوم جمعیت ۵۰ میلیونی کشور را در خود جای می‌داد. به‌علاوه در حدود یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار نفر نیز مجبور به ترک خانه خود شدند. در این گزارش گفته شده است، زیان تولید ناشی از آسیب به پالایشگاه آبادان در هشت سال، بیش از ۷۰۰ میلیون بشکه به ارزش تقریبی ۲۷ میلیارد دلار بوده است، یا بیش از ۷۵ درصد سازه‌های نفتی جزیره خارک از میان رفته است. در گزارش سازمان ملل آمده که بندر آبادان در جنگ همواره زیر بمباران بوده و ویران شده است. بندر خرمشهر نیز خساراتی بسیار دیده است. همچنین به بندر امام خمینی نیز بارها حمله هوایی شده است. در گزارش هیأت در بخش نیرو نیز آمده است که نیروگاه‌ها چون اهداف راهبردی بوده‌اند حمله به آنها تنها محدود به استان‌های مرزی نبوده است. بزرگ‌ترین شبکه نیرو که در استان خوزستان جای دارد و برق ۲۱ استان ایران را فراهم می‌کند بارها مورد حمله قرار گرفته است. همچنین به نیروگاه نکا که دیگر نیروگاه بزرگ ایران است چندبار حمله شده است. نیروگاه‌های دیگر همچون نیروگاه تبریز در شمال غرب ایران و

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

نیروگاه بندرعباس در جنوب ایران، بارها مورد حمله قرار گرفته‌اند. دیگر نیروگاه‌های کوچک‌تر ایران نیز خسارت دیده‌اند. همچنین آماری از کشتی‌های غرق‌شده در رود کارون و اروندرود به‌دست داده و برآورد کرده که بیش از ۸۰۰ فروند کشتی کوچک و متوسط و ۷۰ فروند کشتی بزرگ از دست رفته‌اند و غرق شده‌اند. در گزارش سازمان ملل به تأثیر مخرب جنگ بر سازه‌های درمانی نیز اشاره شده است که در پنج استان مرزی ایران با عراق پنج بیمارستان و ۱۰۲ درمانگاه و ۱۰۷ مرکز درمانی شهری و روستایی ویران شده‌اند. این گزارش گفته که شمار درختان خرما از میان رفته در استان خوزستان بیش از هفت میلیون درخت بارور بوده که برابر ۱۵۵ هزار تن تولید خرما در سال بوده است. با خسارات گسترده‌ای که عراق طی جنگ به ایران زده است، دولت صدام از پاسخ به درخواست‌های ایران برای پرداخت غرامت سر باز زده و دولت‌های تازه عراق نیز خواهان این بوده که ایران این موضوع را پیگیری نکند (روزنامه دنیای اقتصاد ۱۳۹۹، شماره روزنامه ۴۹۹۰، شماره خبر ۳۶۹۳۷۰۷).

(۳) چالش تورم در دوران جنگ

نرخ تورم در سال ۱۳۵۹ با دو برابر افزایش از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۲۳/۷ درصد رسید. اما پس از آن سیر نزولی داشت و در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ به ترتیب به ۲۲/۸ و ۱۹/۴ درصد کاهش یافت. این سیر نزولی نرخ تورم تا سال ۱۳۶۴ ادامه داشت و به کمتر از ۷ درصد رسیده است (پسران، ۱۴۰۰). به رغم کنترل شدید دولت بر قیمت‌ها و نحوه توزیع کالاها، در سه سال پایانی جنگ، به دلیل اثرپذیری اقتصاد از تکانه شدید سال ۱۳۶۵ و به ویژه افزایش شدید کسر بودجه که عمدتاً از محل منابع بانکی تأمین می‌شد روندی افزایشی داشت. نرخ تورم در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ به ترتیب ۲۳/۷ و ۲۷/۵ درصد و در سال ۱۳۶۷ به ۲۹ درصد رسید که بالاترین نرخ تورم در طول هشت سال جنگ بوده است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۳۲-۱۳۰).

(۴) رکود اقتصادی در دوران جنگ

سطح فعالیت‌های صنعتی به دلیل مسائل خاص جنگ از قبیل کمبود مواد اولیه، مواد خام وارداتی و گران بودن آن در بازار جهانی، کمبود و عدم دسترسی به قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز ماشین آلات، مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی متخصص موجب گردید تا این فعالیت‌ها کاهش یابد. از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ رونق اقتصادی اتفاق افتاد. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷، رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران‌کننده شاخص‌های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، فشارهای شدید بین‌المللی، افزایش

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

نبردهای زمینی، تشدید حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی، گسترش و تشدید جنگ نفتکش‌ها، حضور ناوگان جنگی قدرت‌های شرق و غرب و درگیری مستقیم با آمریکا از خصوصیت این دوره است. در این میان فشارهای بین الملل نقش عمده‌ای در این دوره داشت، زیرا هم ایران را از دسترسی به بازارهای معمول و ارزان اسلحه محروم کرد که در نتیجه تهیه تسلیحات جنگی و ادوات نظامی و حتی لوازم یدکی آنها با مشکلات بسیار و متحمل شدن هزینه‌های گزاف مواجه شد و هم دخالت قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه مانع از پیروزی سریع و قاطع ایران بر عراق شد. مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های پایانی جنگ تشدید شد و این موضوع امکان ادامه جنگ را به ایران نمی‌داد. مسئولان اقتصادی کشور نیز اعلام کردند که امکانات اقتصادی، بودجه، درآمد و هزینه‌های کشور به خط قرمز رسیده و این وضعیت دیگر برای کشور قابل تحمل نیست. در این راستا قدرت‌های بین‌المللی به ویژه آمریکا برای فشار بیشتر بر ایران برنامه کاهش قیمت نفت و جلوگیری از صادرات نفت ایران با استفاده از تهاجمات عراق را طراحی کردند که این اقدام در تصمیم ایران برای پذیرش قطعنامه تأثیرگذار بود (بیدگلی و قیصریان فرد، ۱۳۹۸: ۸۲).

با آغاز جنگ و تخریب و تهدید برخی مراکز تولیدی کشور و کاهش سرمایه‌گذاری و همچنین کاهش اشتغال و یا در معرض تهدید قرار گرفتن اراضی قابل کشت مناطق جنگی، تولید ناخالص داخلی نیز تحت تأثیر قرار گرفت و کاهش یافت (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۵). رشد ۱۲٫۶ درصدی در تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۶۱ صرف‌نظر از اینکه یکی از بالاترین رشدهای تجربه شده از سال ۱۳۵۶ در نظر گرفته می‌شود، تحول معنی‌داری است (پسران، ۱۴۰۰: ۹۰).

در دوران جنگ سهم مصرف کالاهای بی‌دوام نسبت به سایر انواع کالاها بیشتر بود و به میزان ۱/۲۱۷/۶ هزار ریال رسید، که نشان‌دهنده میزان نیاز مردم به کالاهای ضروری و بی‌دوام بوده است. مصرف کالاهای نیمه بادوام و خدمات در دوران جنگ نسبت به دوره پیش از آن افزایش یافت. نرخ رشد مصرف سرانه در دوران جنگ تحمیلی معادل منفی ۲ درصد بود در حالی که مصرف سرانه در دوره پیش از آن (۱۳۵۷-۱۳۵۲) رشد مثبت ۹/۵ درصدی داشته است که این به دلیل وقوع جنگ و کاهش درآمدها و افزایش جمعیت بوده است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۱۵).

ب) عملکرد تخصصی وزارت اقتصاد در پشتیبانی اقتصادی از جنگ

پاره‌ای از فعالیت‌هایی که وزارت اقتصاد و دارایی در راستای پشتیبانی از نبرد انجام داده است جنبه

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

تخصصی و ذاتی دارد که دستگاه‌های دیگر نظام اداری کشور آن وظایف را ندارند.

(۱) **کنترل قیمت‌ها و مقابله با بیکاری:** پس از پیروزی انقلاب و اختلال در امر قیمت‌گذاری مراکز تعیین قیمت، لایحه مجازات واحدهای تولیدی و وارداتی متخلف در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۰ به تصویب شورای انقلاب رسید. در بهمن ۱۳۵۸ سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکننده با اساسنامه جدید شروع به کار کرد که اهداف قیمت‌گذاری و کنترل قیمت‌ها را دنبال می‌کرد. شورای اقتصاد، سال ۱۳۶۲ را سال تلاش در جهت تثبیت قیمت‌ها اعلام نمود. براساس مصوبات شورای اقتصاد، قیمت برخی از کالاها از جمله، کالاهای کارخانه‌ای وابسته به وزارت صنایع و صنایع سنگین می‌بایست کاهش می‌یافت. طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ تصمیمات دولت به گونه‌ای بود که زمینه مهار تورم و حمایت از قدرت خرید اقشار کم درآمد و محروم جامعه را فراهم نمود (حسنی صدرآبادی، ۱۳۸۴: ۵۳).

برنامه ملی سهمیه‌بندی، بازارهای باز و سیاه، تحت پوشش قرار گرفتن اینترگران جنگ و پرداخت مزایای بیکاری، حمایت‌های داوطلبانه بخش خصوصی و یکپارچگی قوه‌ی ابتکار، به ایران کمک کرد که بحران جنگ را مدیریت کند. بازار باز بزرگ ایران یک منبع جایگزین به‌منظور تأمین جیره‌های مکمل ارائه می‌کرد. قیمت‌های غذا در اینجا ۱۰ برابر قیمت‌های سهمیه‌ای بود. سودهای بزرگ فروشندگان در این بازارها گاه باعث می‌شد کالاهای سهمیه‌ای به این بازارها منحرف شوند.

وزارت کار ایران بیمه‌ی بیکاری استحقاقی برای برخی از کارکنان اخراج شده تا مبلغ ماهیانه ۵۷۵ دلار ایجاد کرده بود. این طیف گسترده از کمک‌ها حائلی برای ریاضت اقتصادی برای بسیاری از مردم ایران فراهم کردند. منابع حمایتی خصوصی متعددی نیز در ایران موجود بود. صندوق‌های قرض‌الحسنه به همراه مساجد در تمام کشور ایجاد شدند.

بسیاری از کارگران بیکار شده‌ی ایران تبدیل به بخشی از بخش خدمات ناشی از اقدامات ریاضتی شده بودند که به‌عنوان دلال طیف گسترده‌ای از کالاها، از سیگار تا اتومبیل‌های لوکس، فعالیت می‌کردند.

(۲) **تشکیل ستاد بسیج اقتصادی:** دولت پس از شروع جنگ سهمیه‌بندی را آغاز کرد و برای هر خانوار مجموعه‌ای از کوپن‌های قابل بازخرید در زمان‌های معین برای غذا و دیگر ضروریات اولیه در قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های بازار صادر کرد. پزشکان اعتراض داشتند که این مقادیر دولتی تغذیه‌ی کافی را فراهم نمی‌کنند، اما دولت مدعی بود که سهمیه‌بندی مکمل بوده و هرگز قصد تأمین یک رژیم غذایی کامل را نداشته است. هیأت وزیران تشکیل ستاد بسیج اقتصادی کشور را با هدف تأمین نیازهای اقتصادی

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

مردم در شرایط جنگ مفید می‌دانستند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷). عزت‌الله سحابی می‌گوید: «بعد از اینکه حادثه گروگان‌گیری اتفاق افتاد، کارتر، ایران را تهدید کرد که اگر گروگان‌ها را به سرعت آزاد نکنید تجارت خارجی با ایران را معلق گذارد. در شورای انقلاب و دولت این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و ایده‌هایی برای مقابله با تهدید آمریکا مطرح شد. قرار بر این شد که برای جلوگیری از آسیب احتمالی از تحریم آمریکا ستادی تشکیل دهیم. این ستاد که بعداً به عنوان بسیج اقتصادی نام گرفت به دستور شورای انقلاب تأسیس شد. بخشی از این ستاد مربوط به روش‌های تبلیغاتی و سیاسی بود که باید در مقابل فشارهای روانی تحریم تدابیری اتخاذ می‌کرد. بخش دیگر مربوط به حوزه اقتصاد بود... انگلیس در زمان جنگ تصمیم به این کار گرفته بود. تجربه انگلستان، آلمان و فرانسه نشان داد که جیره‌بندی موفقیت‌آمیز بوده است (سایت تاریخ ایران، ۱۳۸۹، کد ۱۶۳). در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵ ستاد بسیج اقتصادی تصویب شد (مصوبه هیأت وزیران، ۱۳۶۰). مردم ایران اولین نظام سهمیه‌بندی همراه با یارانه را از زمان جنگ دوم جهانی تجربه کرده‌اند و نان مهمترین کالای سهمیه‌بندی در آن زمان بوده است. به منظور اطمینان از تأمین نیازهای اساسی و رسیدن ارزاق و کالاهای ارزان به دست همه مردم هیأت وزیران در همان هفته اول جنگ، ستاد بسیج اقتصادی را تشکیل داد (علایی، ۱۳۹۹: ۱۴۷). این ستاد، ارزاقی مانند برنج، روغن، گوشت، مرغ، شکر، کره و پنیر، پودر لباسشویی، تخم مرغ که با ارز ۷ تومانی تهیه می‌شد را با قیمت بسیار ارزان و به صورت سهمیه‌بندی در اختیار مردم قرار می‌داد. به نان هم یارانه پرداخت می‌شد و بنابراین در سراسر کشور نان با قیمت بسیار پایین به مردم عرضه می‌شد. همچنین با پیشنهاد این ستاد، قیمت بنزین از یک تومان در هر لیتر به سه برابر افزایش یافت (علایی، ۱۳۹۹: ۱۴۷). اگرچه دولت با اتخاذ سیاست سهمیه‌بندی که از سال ۱۳۶۰ آغاز شد؛ اقتصاد کشور را به نوعی در وضعیت جنگی قرار داد اما به موازات آن، با اقدامات و تلاش‌هایی که در سایر بخش‌ها به‌ویژه در امر سازندگی و گسترش در بخش اجتماعی انجام می‌گرفت؛ سبب شد تا بخش اجتماعی در دوران جنگ نسبت به سال‌های قبل آن از گستردگی و سهم بالا در امور هزینه‌ای بودجه کشور برخوردار شود به گونه‌ای که سهم امور اجتماعی از کل امور هزینه‌ای بودجه، به حدود ۳۹/۵ درصد معادل ۱۲۷۹۰/۳ میلیارد ریال رسید، درحالی‌که در همین دوره سهم امور دفاعی با هزینه‌ای معادل ۳/۹۷۷ میلیارد ریال، ۱۲/۷ درصد کل هزینه‌های دولت را شامل می‌شد (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

(۳) ایجاد اعتماد اقتصادی: یکی از پدیده‌های غیرانسانی در حوزه اقتصاد این بود که افرادی سودجو در سال‌های جنگ تحمیلی دست به احتکار و گران‌فروشی زده و از این راه لطمات سنگینی به نظام در

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

حال جنگ وارد می‌کردند. دولت‌های وقت به مبارزه با این پدیده پرداخته و افزایش محترکان و گران‌فروشان و گسترش دامنه فعالیت آنها در سراسر کشور، که پیامد وضعیت بحرانی و جنگی است، سبب شد تا در مرداد ۱۳۶۶ امام خمینی اجازه استفاده از تعزیرات حکومتی و برخورد شدید و قاطع دولت با چنین پدیده‌ای را صادر نماید. ایشان خطاب به نخست‌وزیر تصریح می‌کنند: "دست شما برای نرخ‌گذاری همچنان باز است، با قاطعیت عمل کنید و جهت اجرای ضوابط و قیمت‌های تعیین شده می‌توانید از تعزیرات حکومتی استفاده کنید، در مقابله با مسئله گرانی با قاطعیت برخورد کنید" که به دنبال این حکم اجرای طرح مبارزه با احتکار و گران‌فروشی در سراسر کشور اجرا گردید و این حرکت باعث اعتماد مردم به مسئولان گردید (خواجeh سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۶۷).

کم شدن فاصله طبقات و دهک‌های مختلف جامعه و عدالت از اهداف اصلی انقلاب و کشور در حوزه اقتصادی محسوب می‌گردید. چنانچه آمارها حکایت از وضعیت نسبتاً خوبی داشته به طوری که نسبت سهم ثروتمندترین دهک به فقیرترین دهک درآمدی از ۲۴/۱۴ به ۲۲/۱۹ کاهش یافته است. همچنین سهم درآمدی ۴۰ درصد از فقیرترین خانوارها از ۱۳/۹۳ در سال ۱۳۶۱ به ۱۴/۲۱ در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است (خواجeh سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۶۷). ضریب جینی در دوران پس از پیروزی انقلاب و جنگ نسبت به پیش از آن کاهش یافت (خواجeh سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۶۸). ضریب جینی در سال پایانی جنگ یعنی ۱۳۶۷ با کاهش زیاد نسبت به سال قبل از جنگ، یعنی ۱۳۵۸ که معادل ۵۱٪ بود، کمتر بوده است (حسنی صدرآبادی، ۱۳۸۴: ۵۶). بنابراین این شاخص مبین بهبود روند توزیع درآمد کشور در سال‌های جنگ تحمیلی است (خواجeh سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۶۹).

(۴) اختصاص بودجه به جنگ: در دوران جنگ تأمین کالاهای اساسی و ضروری مردم و امور جنگ دارای اولویت بیشتری است؛ لذا سهم کالاهای سرمایه‌ای با کمترین مقدار نسبت به سایر دوره‌ها معادل ۲۱/۲ درصد بوده است. از سوی دیگر در این دوره کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه با ۵۹ درصد سهم بالایی از واردات کالا را به خود اختصاص داده بود که نشان‌دهنده توجه دولت به تأمین نیازمندی‌های اساسی و صنایع کشور و تداوم سطح وابستگی صنایع کشور است. از طرفی سهم کالاهای مصرفی در طول جنگ به دلیل ضرورت تأمین نیازهای اولیه و اساسی مردم، به ۱۹/۸ درصد رسید که بالاترین سهم کالاهای مصرفی در دوره‌های مقایسه شده بوده است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). در سال‌های نخست دهه ۱۳۶۰، با افزایش دوباره قیمت نفت، واردات افزایش یافت اما از سال ۱۳۶۳ به بعد با ادامه جنگ و با سست شدن دوباره وضع بازار جهانی نفت، درآمدهای صادراتی نیز کاهش یافت و واردات محدود شد.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

واردات در سال ۱۳۶۷ علی‌رغم توقف جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۸۱۷۷ میلیون دلار رسید که این کاهش به دلیل کمبودهای ارزی ناشی از کاهش درآمد نفت بوده است (جعفری صمیمی و منفرد، ۱۳۹۳: ۳). آرمان‌های انقلاب ایجاب می‌کرد تا برای دست‌یابی به خودکفایی در مواد غذایی و کالاهای استراتژیک و همچنین بهبود وضعیت روستاییان و کشاورزان، توسعه اقتصادی بر محور کشاورزی قرار گیرد. سهم ۸۶/۳ درصدی صادرات این نوع کالاها در دوره پس از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ، که بالاترین سهم در دوره‌های قبل و بعد از آن بوده حاکی از آن است که بخش کشاورزی به دلیل کمک ارزی توانست تا ضمن برخورداری از رشد، در ارزآوری نیز دارای سهم مهمی باشد. در دوران جنگ، اگرچه صادرات کالاهای صنعتی نسبت به پیش از آن کاهش یافت؛ اما با تأمین نیازهای ارزی این بخش و عادی‌شدن روند واردات کالاهای واسطه‌ای و اولیه، صادرات کالاهای صنعتی دوباره پس از جنگ و به‌ویژه از اواسط دهه ۱۳۷۰، جهش عمده‌ای داشته است. سهم ۴۹/۵ درصدی و ۶۴ درصدی کالاهای صنعتی در صادرات کالاهای غیرنفتی در دوره‌های پس از جنگ تحمیلی حاکی از این واقعیت است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

(۵) **مدیریت نقدینگی:** در سال ۱۳۶۳ رشد نقدینگی به ۶ درصد کاهش یافته که این میزان از سال ۱۳۵۳ تا آن زمان بی‌سابقه بوده است. همچنین رجحان نقدینگی که مردم به دلیل شرایط جنگ و بحران در پیش گرفته بودند؛ روند رشد و میزان حجم پول و شبه پول را با تغییرات عمده مواجه می‌کرد. در سال‌های جنگ در اغلب موارد سهم حجم پول از نقدینگی، بیش از شبه پول بوده است که دلیل آن تمایل مردم به در دست داشتن پول نقد و تمایل کم‌تر به نگهداری سپرده‌های مدت‌دار به دلیل شرایط بحرانی بوده است (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در این دوره از سویی سیاست پولی انقباضی اتخاذ می‌شد تا از رشد زیاد حجم نقدینگی جلوگیری شود لذا تا زمانی که تکانه شدید نفتی سال ۱۳۶۵ رخ نداده بود؛ رشد نقدینگی تا حدی کنترل شده بود. به گونه‌ای که رشد نقدینگی در سال ۱۳۶۳ به ۶ درصد و در سال ۱۳۶۴ به ۱۳ درصد رسید که همین تدبیر امکان کنترل تورم را نیز فراهم کرد. به این ترتیب با اجرای سیاست پولی انقباضی در دوران جنگ، نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ به پایین‌ترین حد خود رسید. از سوی دیگر، سعی شد با به کارگیری ابزارهای کیفی مورد نیاز بخش‌ها، چه برای سرمایه‌گذاری و چه در زمینه سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی تأمین شود. اما وقوع تکانه شدید نفتی در سال ۱۳۶۵، زمینه‌ی رخداد کسری بودجه را ایجاد کرد و در نهایت نقدینگی در سال ۱۳۶۷ افزایش بسیاری یافت (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

(۶) **نظارت بر مالیات:** سهم و مقدار مالیات‌های مستقیم از کل مالیات‌ها در اغلب آن سال‌ها بیش از مالیات‌های غیر مستقیم بوده است. از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ با وجود آنکه درآمدهای نفتی کاهش یافت اما سعی شد تا از افزایش مالیات‌های غیرمستقیم جلوگیری شود که این تلاش حتی به کاهش سهم این نوع مالیات انجامید (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). دولت اقدامات دیگری مانند افزایش هزینه‌های ویزای خروج از کشور را برای ایجاد درآمد به اجرا گذاشت.

(۷) **نظارت بر سیاست ارزی:** نرخ رسمی ارز در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ثابت باقی مانده است (مؤمنی، ۱۳۹۹). طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۸، کمبود درآمدهای ارزی به دلایلی چون کاهش صادرات و قیمت نفت، خروج کلان ارز از کشور، بلوکه شدن ذخایر ارزی کشور در آمریکا، تحریم‌های اقتصادی و نیز وقوع جنگ تحمیلی سبب گردید تصمیمات و سیاست‌گذاری‌هایی در جهت صرفه‌جویی هر چه بیشتر در مصارف ارزی اتخاذ گردد. به عبارت دیگر، طی این دوره دولت به سیاست‌های کنترلی ارزی که همانا جیره‌بندی ارز بود اقدام نمود. همراه با کنترل ارز، دولت سیاست نرخ‌گذاری رسمی ارز را اجرا کرد که در آن نرخ پول ملی رسماً از طرف دولت تعیین و اعلام می‌گردید. محدودیت منابع ارزی، محدودیت‌های وارداتی و وجود کنترل‌های حاکم بر کالاهای صادراتی غیرنفتی موجب شد که به موازات نرخ ارز رسمی، نرخ ارز در بازارهای غیررسمی نیز به وجود آید، ضمن آنکه با اعطای برخی مجوزهای صادراتی و یا جوایز نقدی، نرخ ارز مورد محاسبه برای صادرات کالاها متفاوت از نرخ‌های مذکور بود. عناوینی همچون ارز رسمی، ارز تهاتری، ارز دانشجویی، ارز درمانی و ارز مسافرتی در دوران جنگ تحمیلی ناشی از سیاست‌گذاری‌هایی بود که تلاش داشت تا قیمت ارز هر بخش را برحسب اولویت‌های موجود تعیین نماید (دژپسند و رئوفی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

(۸) **افزایش رشد بهره‌وری تولید:** اندازه‌ی شاخص بهره‌وری عوامل تولید به طور متوسط در سال‌های جنگ ۵ برابر دوران پس از جنگ بوده است. آن چه که مسئله را حیاتی می‌کند تسخیرشدگی حکومت به دست غیر مولد‌ها و رانت خورها و رباخورها و فاسدها از طریق بکارگیری یک مافیای رسانه‌ای پدیدار شده پس از جنگ است (مؤمنی، ۱۳۹۹).

(۹) **کاهش رانت‌خواری:** دولت دوران جنگ مردم را صاحب حق به‌شمار می‌آورد. از این رو در کل دوره اقتصاد نفتی در ایران تنها در دولت جنگ بود که تصمیم‌گیری درباره نحوه تخصیص دلارهای نفتی برعهده مجلس گذاشته شد. هر تصمیمی از کانال مجلس عبور می‌کرد الزاماً شفاف بود و مردم می‌توانستند

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

در ریز جزئیات تخصیص‌ها قرار گیرند. ضمن آنکه این کار هزینه فرصت رانت‌جویی در اقتصاد سیاسی کشور را به بالاترین سطح تاریخی خودش رساند و افراد می‌دانستند که اگر بخواهند به سمت رانت بروند به سرعت افشا می‌شوند چرا که امکان نظارت‌های تخصصی مدنی در آن شرایط فراهم شده بود. در اقتصادهای رانتی، اساس بقای مناسبات رانتی به ساز و کارهای غیرشفاف و غیرمشارکت‌جویانه باز می‌گردد. در شرایط جنگی با وجود آنکه هزاران برابر بیشتر از شرایط عادی برای پنهان‌کاری فرصت وجود داشت اما تمامی تخصیص‌ها به صورت شفاف و علنی از کانال مجلس مشخص می‌شد و از طریق تصویب لایحه بودجه و پیوست ارزی آن معلوم بود چه میزان دلار به چه اموری تخصیص یافته است. به اعتبار این رفتار دولت، سطح اعتماد مردم نسبت به دستگاه اجرایی بالا رفته و تأثیر خود را در جلب مشارکت و همکاری در صحنه‌های مختلف جنگ نشان داده است (مؤمنی، ۱۳۹۹).

(۱۰) ابزارهای پولی بانک مرکزی ایران در جنگ: در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، ابزارهای پولی غالب در بانک مرکزی، عمدتاً ابزارهای کیفی یا مستقیم بوده است. بانک مرکزی به علت کسری بودجه مداوم دولت، که ناشی از هزینه‌های جنگ، کاهش درآمد نفتی به علت تحریم یا کاهش قیمت نفت بود، عمدتاً از سیاست محدود کردن اعتبارات سقف اعتباری استفاده نمود و این سیاست تا پایان جنگ ادامه داشت. سیاست نرخ تنزیل مجدد، با توجه به شبیهاتی که در مورد ربوی بودن تنزیل در سال‌های گذشته وجود داشت، به کار گرفته نشد و بانک‌ها عملاً امکان استفاده از منابع بانک مرکزی را از دست دادند و نرخ تنزیل مجدد به عنوان یک ابزار مستقیم از سودآوری افتاد. سایر ابزارهای پولی مستقیم از جمله، تعیین نرخ سپرده‌ها و تسهیلات، خرید اجباری اوراق قرضه توسط بانک‌ها و تسهیلات تکلیفی، به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد فعالیت‌های اقتصادی هر ساله بانک‌های دولتی کشور را مجبور به پرداخت بخش عمده‌ای از منابع خود به دولت، یا بخش‌های مورد نظر دولت در بخش خصوصی می‌نمود. بنابراین تا آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی در سال ۱۳۶۸ سیاست‌های پولی و ابزارهای آن، فقط محدود به ابزارهای مستقیم پولی، دخالت دولت در تخصیص اعتبارات، تخصیص ارز و چند نرخ کردن آن، حفظ نرخ ارز ثابت و کنترل نرخ بهره و قیمت‌ها بود. این سیاست‌ها منجر به ایجاد بازار غیررسمی برای بسیاری از کالاها، تخصیص غیربهبینه اعتبارات، سرکوب مالی و کاهش کارایی اقتصادی گردید. (مجتهدی، ۱۷:۱۳۸۸).

(۱۱) همکاری با بیمه ایران: یکی از مشکلات بوجود آمده در طول جنگ تحمیلی پوشش بیمه‌ای نفت‌کش‌ها بود با توجه به اینکه بودجه کشور به شدت وابسته به ارز حاصل از فروش نفت بود، در آن

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

مقطع زمانی بسیاری از شرکت‌های بیمه خارجی از بیمه نمودن و یا پوشش اتکایی نفتکش‌ها خوداری نمودند و یا حق هر نفتکش را در حدود نصف ارزش یک نفتکش تعیین می‌نمودند بدین معنی که از هر دو نفتکش یکی را از دست می‌دادیم. لذا در این شرایط بحرانی، بیمه ایران وارد عرصه خدمت گردید و اعلام نمود با حمایت دولت، بیمه ایران حاضر است پوشش بیمه‌ای کلیه نفتکش‌ها را بپذیرد. ارائه پوشش بیمه‌ای از سوی بیمه ایران باعث گردید تا همچنان صدور نفت برای کشور مقدور گردد تا کشور با بحرانی مالی و بودجه‌ای مواجه نشود. همچنین با توجه به شرایط ویژه دوران جنگ و مشکلات پهلوگیری کشتی‌ها و تهدید دشمن به انهدام کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز، بیمه ایران ارسال کالا و تجهیزات را به مناطق جنگی حتی با نرخ مناطق امن، تحت پوشش خود قرار داد و بدین وسیله حمایت مؤثری از صنعت حمل و نقل کالا و تجهیزات در آن زمان انجام داد (روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۸).

ج) اقدامات عمومی وزارت اقتصاد در پشتیبانی از جنگ

برخی فعالیت‌ها در پشتیبانی از جنگ از سوی همه دستگاه‌های اداری انجام می‌شد که به این دسته اقدامات مشترک یا عمومی گفته می‌شود.

(۱) اعزام نیروی انسانی و گسیل کالا به جبهه‌های جنگ

برآوردها حکایت از این دارند که بیش از ۸۵ درصد کسانی که بار عملیاتی و اجرایی جنگ را برعهده می‌گرفتند از نیروهای داوطلب و ارزان بودند (مؤمنی، ۱۳۹۹). براساس اسناد در زمان جنگ کارکنان وزارت امور اقتصادی برای خدمت به نقاط مرزی کردستان، آبادان و خرمشهر و خطوط جبهه نبرد اعزام شده‌اند. در سال ۱۳۶۵، معاون اداری و مالی وزارت امور اقتصادی در نامه‌ای از همکاران خود خواسته است که در اسرع وقت، خود را به پایگاه بسیج این وزارت معرفی نمایند تا پس از تکمیل پرونده، ترتیب اعزام آنان داده شود. همچنین وزیر امور اقتصادی به معاون امور جنگ مأموریت داده است که به همراه کاروان تدارکاتی سپاه و هدایای نقدی و غیرنقدی کارکنان وزارت امور اقتصاد و سازمان‌های تابعه و بانک‌ها از تاریخ ۶۵/۱۱/۲۴ تا ۶۵/۱۱/۲۷ به جبهه‌های جنگ غرب و جنوب کشور عزیمت نمایند. در سال ۱۳۶۵، وزارت اقتصاد اقدام به تحویل طلا و جواهرات هدایی کارکنان به مقامات مملکت برای کمک به جبهه‌ها نموده است (کارنامه دولت، ۱۳۶۵: ۱۵۱).

(۲) جمع آوری و اعزام ماشین آلات وزارت اقتصاد به جبهه

نیمه اول سال ۱۳۶۵، اداره امور اقتصادی و دارایی استان لرستان به جبهه‌ها ماشین‌آلات و وسایل نقلیه ارسال کرد. همچنین از آغاز جنگ تا آخر سال ۱۳۶۵، اداره امور اقتصادی و دارایی استان‌های بوشهر، استان ایلام و استان آذربایجان غربی و شرکت ملی انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران به جبهه‌ها ماشین‌آلات و وسایل نقلیه ارسال کرده اند (روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۸).

(۳) اسکان موقت خانواده کارکنان جنگ زده

در سال ۱۳۶۰، ۶۴ خانواده جنگ‌زده از میان کارکنان امور اقتصادی و گمرک استان خوزستان در قصر فیروزه تهران اسکان داده شده‌اند. مبلغ ۲۳۴۵۰۰۰۰ ریال علاوه بر اعتبارات وام استان‌ها، جهت پرداخت به همکاران جنگ‌زده و نیازمند حواله داده شد. همچنین پلاژ وزارت امور اقتصادی در ساری با وسایل مورد نیاز، جهت اسکان جنگ‌زدگان اختصاص یافته است و در محوطه پلاژ ۴ دستگاه دوش حمام به‌طور امانی ساخته شده بود. واحد امور پرسنلی بانک ملی در سال ۱۳۶۰ به عده‌ای از جنگ‌زدگان اسکان و خدمات رفاهی به آنها ارائه داده بود (کارنامه دولت، ۱۳۶۰: ۱۵).

(۴) پرداخت مستمری به مهاجرین جنگ

در سال ۱۳۶۶ معاونت امور بانکی وزارت اقتصادی نامه‌ای در خصوص پرداخت مستمری مهاجرین جنگ در استان‌های خوزستان و ایلام صادر کرده بود که از تیر ماه سال ۱۳۶۶ از طریق واحدهای بانکی این مستمری پرداخت شده بود (نامه بانک صادرات و ملت به امور بانکی وزارت اقتصاد). سال ۱۳۶۶ در جلسه‌ای مشکلات مربوط به پرداخت جیره نقدی مطرح و این تصمیمات اتخاذ گردید: بانک‌های تجارت و ملت طبق آمار جمعیتی بنیاد، نسبت به پرداخت جیره نقدی مهاجرین در سراسر استان اقدام نموده و با توجه به تأمین جیره نقدی مهاجرین که در حد مقدرات توسط بانک استان تأمین گردید؛ به هنگام پرداخت جیره نقدی مهاجرین نیز، نقدینگی دو بانک تجارت و ملت را همه ماهه در حد امکان تأمین نمایند. بنیاد مهاجرین ماهیانه فقط یک بار لیست اسامی مستمری بگیران را در اختیار بانک‌ها جهت پرداخت جیره قرار دادند. مبلغ کارمزد جهت پرداختن جیره نقدی مهاجرین در ازاء هر خانوار ماهیانه ۱۳۰ ریال تعیین گردید که می‌بایست هر ماهه همراه لیست مستمری توسط بنیاد به بانک‌های مربوطه پرداخت گردید (بنیاد استان خوزستان).

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

بحث و نتیجه‌گیری

عراق در سال‌های آخر جنگ در موقعیت اقتصادی بهتر نسبت به ایران در حال ظهور بود. بغداد بدهی خارجی انباشته بزرگی داشت اما بسیاری از بخش‌های اقتصاد غیرنظامی خود در طول این سال‌ها را حفظ و حتی توسعه داده بود. مخالفت ایران با استقرار خارجی باعث شد به‌منظور پرداخت هزینه‌های جنگ از مخارج عمومی بکاهد که منجر به وخامت اوضاع در زیرساخت‌های اقتصادی از جمله بخش نفت شد. این وخامت اوضاع به همراه جمعیت بیشتر و رو به رشد، توسعه اقتصادی ایران را مهار کرد. از آنجایی که عراق در اوایل جنگ متحمل ضررهایی در تولید و صادرات نفت شد، به تدریج با ساخت خطوط لوله نفت جدید و حفظ تسهیلات موجود صادرات و درآمدهای نفتی خود را افزایش داد. به دلیل این که بغداد منابع کافی را به‌منظور رفع تقاضای در حال رشد برای خدمات عمومی سرمایه‌گذاری کرده بود. بدهی ۴۰ میلیارد دلاری به ارتش غیرعرب و بدهی غیرنظامی احتمالاً بزرگ‌ترین چالش بغداد بود.

در مقابل، ایران علیرغم نقش مهمی که نفت در اقتصادش داشت، بدلیل آرمان‌های انقلاب برای کاهش تولید نفت به‌منظور حفظ آن برای نسل‌های آینده، صادرات نفت ضعیف شده بود. در سال‌های ابتدایی جنگ، قیمت‌های بالای نفت ایران را قادر ساخته بود که بدون گسترش و یا حتی حفظ مقادیر تولید و صادرات، درآمدهای بالایی کسب کند. با این حال با پیشرفت جنگ، هزینه تعمیر خسارت‌های وارد شده توسط عراق به تسهیلات نفتی، شروع به انباشته شدن کرد و این درحالی بود که درآمدهای نفتی کاهش یافته بودند.

ظرفیت پالایش نفت ایران به‌شکل جدی کاهش یافته بود که عمدتاً به دلیل خسارات جنگی بود. عراق در اوایل جنگ پالایشگاه آبادان را با ظرفیت تولید ۵۰۰,۰۰۰ بشکه در روز، از کار انداخت. حملات بیشتر علیه پالایشگاه‌های باقی‌مانده، ایران را وادار کرد که حدود ۲۰۰,۰۰۰ بشکه در روز محصولات پالایشگاهی وارد کند. ایران برنامه‌هایی به‌منظور احیای ظرفیت پالایشگاهی خود طراحی کرده بود، اما مانند دیگر پروژه‌ها مشکلات تأمین مالی اجرای آن را به تأخیر انداخته بود.

کم‌توجهی ایران به اقتصاد غیرنظامی به‌منظور آزادسازی منابع برای جنگ، منجر به تحلیل گسترده در زیرساخت‌های از جمله بخش‌های اولیه‌ای مانند تولید برق و حمل و نقل شد. ایران باید ظرفیت تولید برق معادل ۲۵۰۰۰ مگاوات می‌داشت تا برق مصرف‌کنندگان شخصی و صنعتی را تأمین کند، با این حال ظرفیت تولید حقیقی ایران کمتر از یک‌سوم این میزان بود. ایران برنامه‌های افزایش تولید برق را به دلیل

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

کمبود منابع تأمین مالی به تأخیر انداخت. رشد جمعیت در تهران از سیستم حمل‌ونقل پیشی گرفته بود و منابع مالی ناکافی ساخت مترو با برنامه‌ی بلندمدت در تهران را به تأخیر انداخته بود.

بررسی اوضاع اقتصادی ایران در طول جنگ نشان می‌دهد که هم رکود و هم رونق اقتصادی در طول جنگ وجود داشته است. از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۶۴ رونق اقتصادی اتفاق افتاد. در این دوره افزایش صادرات نفت و تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه ناخالص داخلی، درآمد سرانه روند افزایشی داشته است. حجم نقدینگی و تورم در این بازه زمانی کاهش یافت. درآمدهای دولت به دلیل افزایش درآمدهای نفتی افزایش یافت. از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۶۷ دولت با رکود شدید اقتصادی به دلیل کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، میسر نبودن افزایش بهره‌برداری از ظرفیت تولید و صادرات نفت، افزایش حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی و گسترش جنگ شهرها مواجه بود. در سال‌های پایان جنگ مشکلات اقتصادی افزایش یافت، به طوری که نامطلوب‌ترین سال در دوران جنگ سال ۱۳۶۷ بود. وزارت اقتصاد از طریق سهمیه‌بندی کالاهای ضروری و نیمه‌ضروری و نیز پرداخت یارانه به کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، کنترل قیمت، ایجاد اعتماد اقتصادی در مردم، نگهداری از بودجه جنگ، ایجاد نقدینگی، نظارت بر مالیات، نظارت بر سیاست ارزی. در سال‌های پایانی جنگ، افزایش هزینه‌های دولت از جمله هزینه‌های جنگی و کاهش درآمدهای دولت، تشدید کسری بودجه را به همراه داشت که دولت برای تأمین این کسری، اغلب از بانک مرکزی استقراض می‌کرد که این اقدام باعث افزایش حجم نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم را به دنبال داشت. اقتصاد ایران با آنکه در مدت هشت سال جنگ با فراز و نشیب‌ها و مشکلات بسیار همراه بود ولی توانست با علائم مثبتی چون نداشتن بدهی خارجی و رضایت عمومی به بقای خود ادامه دهد. این پژوهش نشان داد که وزارت اقتصاد در بستر تاریخی و شرایط آن زمان علاوه بر خدمت‌رسانی ذاتی و عادی به مردم، در جبهه‌ها نقش‌آفرینی موثر داشته و در پشتیبانی از جنگ تحققاتی همچون تأمین و اعزام نیرو به جبهه‌های نبرد، جمع‌آوری و اهداء کمک‌های نقدی، جمع‌آوری اعزام ماشین‌آلات و وسایل نقلیه، اسکان موقت جنگ‌زدگان و پرداخت مستمری به مهاجرین جنگ را انجام داده است. از کل جمعیت در سنین فعالیت ایران فقط ۴۰ درصد هستند که با معاذیر موجه و ناموجه هیچ نقشی در تولید ملی ندارند. این بدین معناست که ۶۰ درصد در سنین فعالیت در تولید ملی نقش داشتند (مؤمنی، ۱۳۹۹). در نهایت دولت توانسته است با تمرکز و تأکید بر عدالت اجتماعی اعتماد متقابل مردم و حکومت را تقویت مشارکت فراگیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم در سرنوشت خویش را تضمین نماید.

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

در پایان هشت سال جنگ، علی‌رغم پشتیبانی اقتصادی دولت از جنگ به دلیل افزایش هزینه‌های جنگ از مخارج عمومی و عدم استقرار خارجی و عدم توسعه زیرساخت‌ها به ویژه بخش نفت، و جمعیت رو به رشد، بسیاری از بخش‌های اقتصاد غیرنظامی ایران با آشفستگی روبرو شد.

ایران در اواخر جنگ حدود نیمی از ظرفیت تولید نفت ده سال قبل خود را تولید می‌کرد، در صورتی که جمعیت آن از ۳۷ میلیون به ۵۲ میلیون رسیده بود، در این دوره کشور در بخش‌های تولید قدرت برق، حمل و نقل، صنعت، سلامت و آموزش با تقاضاهای افزایش یافته روبرو بود و ادامه جنگ آن را از دستیابی به استاندارد بالاتر زندگی و حتی حفظ وضع موجود سطح رفاه و زندگی باز می‌داشت. شاید به همین دلایل بود که بنیانگذار انقلاب قطعنامه پایان دادن به جنگ را پذیرفت و از آن به عنوان آشامیدن جام زهر یاد کرد.

منابع

- ۱) ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۱) "جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی"، اصفهان: انتشارات سمت.
- ۲) بوتول، گاستون (۱۳۷۱) "جامعه‌شناسی جنگ"، ترجمه هوشنگ فرخجسته، ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۳) بیدگلی، سیدمحمود. قیصریان فرد، هادی (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق. فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی، سال ۲۹، دفتر ۳.
- ۴) پسران، ابوالیلا (۱۴۰۰) "مبارزه ایران برای استقلال اقتصادی"، مقدمه فرهاد مؤمنی، ترجمه، زهرا عبدالمحمدی و مهسا کریمی، نشر نهادگرا. چاپ اول.
- ۵) پورا احمد، احمد (۱۳۷۷) ابعاد جغرافیایی خسارت‌های جنگ تحمیلی، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی.
- ۶) جعفری صمیمی، احمد. منفرد، مریم. حیدرزاده، ن‌گین (۱۳۹۳). تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر واردات ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۲.
- ۷) جمشیدی، فخری (۱۳۸۰) بیکاری و تبعات ناشی از آن در میان مهاجران جنگ تحمیلی، مجله کار و جامعه، شماره ۴۱.
- ۸) حسنی صدراآبادی، محمدحسین (۱۳۸۴) اثرات کنترل عمومی قیمت‌ها در اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲.
- ۹) خواجه سروی، غلامرضا. فرهادی، عباس (۱۳۹۷) مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، سال اول، شماره اول.
- ۱۰) دژپسند، فرهاد. رئوفی، حمیدرضا (۱۳۸۷) اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران، چاپ دوم، مرکز اسناد دفاع مقدس (مطالعات و تحقیقات جنگ).
- ۱۱) روابط عمومی وزارت امور اقتصادی و دارایی ۱۳۸۸ eform.mefa.ir/portal
- ۱۲) روایت رفیق‌دوست از پشتیبانی جنگ (وزیر وقت سپاه). خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۹) کد خبر ۸۴۰۴۸۹۷۰
- ۱۳) روایت محسن رهامی (عضو کمیسیون برنامه و بودجه). سایت تاریخ ایرانی (۱۳۸۹) کد خبر ۷۱۱۸. برگرفته شده از [tarikhirani](http://tarikhirani.com).
- ۱۴) سایت تاریخ ایرانی [tarikhirani](http://tarikhirani.com) (۱۳۸۹) کد خبر ۱۶۳.

تبیین تاریخی نقش وزارت اقتصاد در جنگ هشت ساله/هاشم‌زهی، یاحی و هاشم‌زهی

- ۱۵) شیرزادی، رضا (۱۳۸۶) "بررسی اجمالی جنگ‌های خلیج فارس"، تهران، انتشارات صریر.
- ۱۶) صادقی فسایی، سهیلا. عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴) مبانی روش شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی؛ مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. فصلنامه علمی- پژوهشی راهبرد فرهنگ. دوره ۸، شماره ۲۹.
- ۱۷) علایی، حسین (۱۳۹۹) بررسی نقش دولت جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۱۶، شماره ۴.
- ۱۸) غضنفری، کامران (۱۳۸۱) آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران، بسیج دانشجویی.
- ۱۹) فیروزنیا، قدیر. جاسمی، الهام. قرنی آرایبی، بهروز (۱۳۹۵) تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۷.
- ۲۰) کارنامه دولت جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۱۳۶۷-۱۳۵۹. گردآوری و تنظیم دفتر تحقیقات اجتماعی وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۱) مجتهد، احمد (۱۳۸۸) بررسی ابزارها و سیاست‌های پولی بانک مرکزی ایران، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۱.
- ۲۲) مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۷) کد خبر ۳۶۶۱.
- ۲۳) مصوبات هیأت وزیران ۱۳۶۰ و ۱۳۵۹.
- ۲۴) مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۹) سخنرانی اینستاگرامی.
- ۲۵) مؤمنی، فرشاد (۱۳۷۵) نگرشی کلی به مدیریت اقتصادی کشور در دوران جنگ تحمیلی، نامه مفید، شماره ۷.
- ۲۶) مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۷) دهه شصت از نظر اقتصادی «دوران طلایی» بود، پایگاه خبری تحلیلی انصاف. <http://www.ensafnews.com>
- ۲۷) مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۸) واقعیت‌های اقتصاد جنگ از زبان دکتر فرشاد مؤمنی (به مناسبت سی‌امین سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸): هیچ کوتاهی در پشتیبانی جنگ صورت نگرفت. برگرفته از مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد.
- ۲۸) میلوارد، آلن اس (۱۳۷۵) "جنگ اقتصاد و جامعه"، ترجمه سید حسین میرجلیلی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

- ۲۹) نعمتی، یعقوب. نعمتی. لیلا (۱۳۹۳) شناخت ماهیت تحریم اقتصادی با نگاهی به تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران در دوران جنگ تحمیلی، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال سوم، شماره ۱۱.
- 30) CIA (۲۰۱۲) Iran-Iraq: A Comparison Of Two War-Weary Economies, 1 Nov
- 31) 30 Jul 2012
- 32) Iran-Iraq: The Economic Balance, Report Secret, 3 Jun 1986, 22 Mar 2011, Directorate Of Intelligence, 7

یادداشت‌ها

۱ بر اساس اطلاعات سال ۱۹۸۷

۲ بر اساس اطلاعات میانه سال ۱۹۸۸